

مردم و حماسه اقتصادی

«... آقا گرونه! نمی‌بینی همه چیز چهار برابر شده؟ از نخود و لوبیا و لپه و نون و گوشت گرفته تا پسته و ماشین و مسکن و پارچه.



«... آقا گرونه! نمی‌بینی همه چیز چهار برابر شده؟ از نخود و لوبیا و لپه و نون و گوشت گرفته تا پسته و ماشین و مسکن و پارچه. آخه این چه وضعیه؟ چرا کاری نمی‌کنن برامون؟ والله مردیم بس که هی پول دادیم و پول در نیاوردیم «... نظیر این در دل‌های بحق را این روزها زیاد شنیده و می‌شنویم.

گرانی‌ها، رشد تورم، مشکلات تولیدکنندگان، بی‌ثباتی نرخ ارز، افزایش بیکاری و غیره و غیره امان مردم را بریده است.

مردم زیر فشارند و حق دارند، همین. اما مگر در طول این 33 سال، فشار و جنگ و تحریم نبوده است؟ آیا این فشارها اثر کرده است؟ زندگی عادی مردم را با اخلال مواجه کرده است؟ اجناس فروشگاه‌ها کم شده؟ چیزی هست که به دست آوردنی نباشد؟ میزان خرید مردم کم شده است؟ فروشگاه‌ها از لوکس‌ترین برندهای روز دنیا پر نیست؟ باور کنید این سطور برای این نیست که برای فشارهای خردکننده اقتصاد به مردم، کارگران، کارمندان، دانشجویان، اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر که نجیبانه تحمل می‌کنند و دم بر نمی‌آورند، توجیهی تراشیده شود.

آخر چه کسی را می‌توان یافت که این واقعیت‌ها را انکار کند و مگر انکار شدنی هستند؟ بلکه سخن این است که «ایران؛ « در خطر است و وقتی ایران در خطر باشد، ماجرا چیز دیگری می‌شود.

وقتی پای ایران در میان باشد، «آقا گرون شده؛ « را کمتر کسی می‌گوید و این معنای کامل حماسه است.

روزی را به یاد می‌آورم در زمان ریاست جمهوری جورج بوش پسر؛ زمانی که او پیاز داغ تهدیدهایش برای حمله به ایران را بیش از حد زیاد کرده بود و لذا احساس شد که مردم باید با حضورشان پاسخی قاطع به طمع‌ها بر تمامیت ارضی ایران می‌دادند.

کسی که سابقه نداشت و اصولاً سبکش نبود که به این‌گونه تظاهرات‌ها برود و از دست روزگار گذرش افتاده بود، توصیف جالبی می‌کرد، می‌گفت در این تظاهرات افرادی از خانه بیرون آمده بودند مثل کادیلک‌های دهه 1960، آنها که ماه به ماه هم از خانه بیرون نمی‌آیند و آمدنشان سرقفلی دارد، آن روز آمده بودند تا در برابر يك دشمن مشترك از ایران دفاع کنند.

مگر خاطرات را از یاد برده‌ایم؟ کمی به عقب‌تر برگردیم. از پدربزرگ‌ها یا مادربزرگ‌هایتان شنیده‌اید که قبل از انقلاب، وقتی قرار شد «بانک ملی ایران؛ « برای پایان دادن به سلطه بانک‌های خارجی بر اقتصاد ایران تاسیس شود، خانم‌ها دستبند و گوشواره و انگو و گردنبند به دست در صف ایستاده بودند تا سرمایه این بانک را تامین کنند؟ و مگر همان طلاها سرمایه بزرگ‌ترین بانک ایرانی نشده که به سال‌ها سلطه بانک‌هایی چون ایران و روس و ایران و انگلیس و... بر اقتصاد ایران پایان داد؟ عرق ملی بارها حماسه آفریده اکنون نیز آماده است حماسه‌ای دیگر بیافریند، حماسه‌ای اقتصادی که در يك سوی آن مردم و در سوی دیگر آن کارآفرینان، تولیدکنندگان و صنعتگران قرار دارند. حماسه‌ای که سال‌ها آن را برای فرزندانمان نقل خواهیم کرد.